

ملت ایران آنجا که پای شرافت و استقلال مملکت در میان باشد، مرگ را بر زندگی آلوده به ننگ ترجیح می دهد

دکتر محمد مصدق

اتحاد بزرگ

تکمیل شماره ۱۰ ریل

شماره ۲۹ پنجشنبه ۸ شهریورماه ۱۳۵۸

پرونده سازی موقوف

در صفحه ۲

دریغ از ایران که ...

پی آمد عمل افسراطی و غرض آلود، عکس العمل خشن و غیر منطقی است

سنگین و تحمل ناپذیر چیست؟! چهره دژ تماشاگران این رویدادهای غم انگیز را بتنگیم و هر دو طرف هر دو دست دشمن شده، شرمهان باد از اینکه دامن اختلالات را از اینهم گسترده تر سازیم؟! توجه داشته باشیم که هر چه دایره خشنوت تنگتر شود، هر چه ترور و آدم کشی وسعت یابد، هر چه انحصارطلبی و یکه تازی فزونی گیرد، سلامت از جامعه زودتر رخت برمی بندد و روابط انسانی و آزادی خود را به دیکتاتوری خواهد داد.

در تاریخ کدامین ملت خوانده ایم که مردمی در یگانگی روزهای گلوله باران و انقلاب، روزهای خون و آتش، مرگ و وحشت باشند! ما که همه با هم، زن و مرد، فقیر و غنی، یکرنگ و یکصدا و همدل براه افتادیم، نان و نفتان را با همسایه تقسیم کردیم. بجای او در صف سرما نوبت گرفتیم، چه شد، برآستی چه شد که به اینجا رسیدیم؟! چه شد گفتگو و بحث به گلوله و ترور انجامید؟! تاقم جای خود را به دشمنی داد؟! مخالفت اصولی رخت برپست و هر انتزاعی رنگ خصوصیت و غرض ورزی بخود گرفت؟! عاقبت این رابطه های سخت و

استقلال، بدون تأمین آزادی های فردی و اجتماعی پایدار نیست

دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران را حفظ کنیم

پاره سنگ رسیلهی آهن دست و پای بسیاری بشکند و سرهای زیادی به خون بیالاید و پس از برپایی جنجال ضرورت حضور نیروهای انتظامی را احساس می کند! نیز مزید بر علت گردید. آنها که زانوی غم به برگرفتند و آغاز دیکتاتوری را به سواک نشستند به اولویت ها نیندیشیدند و هنگامی که زنگ خطر استقلال ایران به صدا در آمده بود و هر کلام نسجیده می توانست آتشی بفرودد که همه می بین در عرش بسوزد، فلهاد کردن حصر آزادی بگونهی فاجعه بطور روشن نهایشگر عدم آگاهی نسبت به موقعیت

حساس و خطرناک کشور و بویژه ضربی مہلک تجزیه ی ایران بود و پس جنگ ما با استعمار پایان نیافته، دشمن خلق سلاح نشده و خطر هنوز نالوس مرگ می تازد. با مرزهای به آتش کشیده و ناسامانی های به ارث رسیده پیش از آنکه به خو بیندیشیم، به ایران که از همه ی بزرگترین ها بزرگتر است بیندیشیم و صادقانه بخواهیم که باقی بماند و اولویت را به استقلال مبین بخشیم و نه هیچ چیز دیگر، آنگاه بی گمان مشکلات یکی یکی از سر راهمان برداشته خواهند شد. بقیه در صفحه ۴

مروری به دور از غرض ورزی به روزها و ماههای پس از پیروزی و حوادث و مشکلاتی که هر یک به تنهایی می توانست مسیر انقلاب را تغییر دهد ما را به بیراهه کشد، همه ی رشته ها را پنبه کند، در پیوجوه نویسی و زیر فشار تبلیغات روشنفکر نمایانی که جز چند قسمی خود را نمی بیند و غلبان احساسات از مسیر منطقی زندگی بدورشان می سازد، ما را به آینده ی ایران آزاد شده امیدوار می کند. ببینید چه دامهایی گسترده شد و بسیاری در نهایت ساده دلی دامناش را گسترده،

داریوش فروهر تأکید کرد خواست بر حق برادران کرد باید بصورت سیاسی طرح شود

سوسیال امپریالیسم روس هم در برابر ملت ایران چپه گرفته و اگر به دشمنی آشکار هم بر نمی خیزد با سکوت خود بسیاری از توطئه ها را صحنه میگذارد، کسانی بودند که خواستهای کوچک را طرح میکردند و در میان این مردم نفاق می افکندند هنگامی که درآمد سرشار نفت قطع شده بود و حقوق کارکنان و هزینه نگهداری تأسیسات عظیم نفت نیز بایستی از بودجه این مردم داده میشد در آن هنگام منابع کوچکی برای

جدول ارزشهای انقلاب جدا شده ایم. امروز ما دارای استقلال هستیم دیگر سرنوشت ایران در جانی دیگر از دنیا تعیین نمیشود و این خود ما هستیم که برای تعیین سرنوشت خود تصمیم میگیریم اما هم چنانکه گفته شد دشمن آسوده نشسته است. روزهای بسیاری در تاریخ این ملت وجود دارد که سرنوشت او در ایران تعیین شده است اما با هجوم استعمار بیگانه وجود این روزها بسیار کوتاه و کم دامنه بوده است. چرا که استعمارگرانی که همواره ما را زیر سلطه داشته اند به آسانی دست از یغما نکشیده اند و اگر اراده ملت چند صباحی دست آنان را کوتاه کرد توطئه پشت توطئه، آنقدر ادامه یافته است تا سرانجام بر مبارزات چیره شده اند ما که میخواهیم استقلال یعنی بزرگترین دست آورد انقلاب را حفظ کنیم باید که بگذشته نگاه کنیم و ببینیم چه چیز پیروزیهای گذشته را از ما گرفته است و ما را به شکست و تباهی کشیده است.

داریوش فروهر در جمع کارکنان صنعت نفت ضمن برشمردن ویژگیهای انقلاب ملت ایران درباره رویه های کردستان گفت: خواستهای برادران کرد که سالیان دراز زیر بار ستم بسر برده اند به حق است و باید انجام پذیرد. وی یادآور شد که در سفری به کردستان به برادران کرد خود هشدار دادم که از کسانی که شما را ترغیب می کنند اسلحه بدست بگیرید برجلز باشید و خواستهای

انقلابی یا ضد انقلاب، کدام یک خلع سلاح شدند!!

دربار انقلاب دست زدن، چوب لای چرخ پیشرفت کار ما گذاشتند، انقلابی نهایی کردند از گامی گوهی ساختند، بقیه در صفحه ۴

دوستی با افسردگی و هیجان از خلع سلاح عمومی می گفت!! پای صحبتش نشستم و دل به دردش دادم، الحق که هر چه گفت عین حق بود. او گفت: نهضت امام و سپس دولت خواستار خلع سلاح عمومی شدند. آنها که برآستی انقلاب را باور داشتند، گلام امام بگونهی فرمان وجدان برایشان لازم الاجرا بود، اسلحه ها را حتی تا آخرین فشنگ ها تحویل دادند و بدینگونه پاسداران واقعی دستاورد های انقلاب، در حالیکه هنوز ارتش به مفهوم واقعی با نگرفته و نیروهای انتظامی حضور فعال خود را در شهر و روستا به نمایش نگذاشته اند، دست خالی و بی سلاح شدند ولی در مقابل، آنها که از همان روز های نهضت به چپه گیری

برادر گُردم...

روزی که قرار بود امام از پاریس به تهران بیایند، جزو افرادی بود که با آب و جارو مسیر حرکت او را تمیز کرد، معتقد بود که پس از پیروزی انقلاب، ستم و ظلمی که به مردم کردستان شده تمام خواهد شد و رهبران انقلابی، فکری اساسی برای آن منطقه خواهند کرد.

به حکومت دکتر مصدق اشاره شد آنروز ملت ایران در یک نبرد بسیار پر دامنه استعمار را بزانو در آورده بود و ایران به استقلال رسید اما کسانی بودند در حالی که نبرد میان ما و استعمار انگلستان ادامه داشت در حالیکه قطعی شده بود که امپریالیسم امریکا به یاری استعمار انگلیس شتافته است و آشکارا میدیدیم که

سندیکا مدافع حقوق کارگران است

اکنون به مرحله ای از زمان رسیده ایم که واحدهای حفظ شده را باید به حرکت در آوریم، و در این دوره است که شوراها می روند تا جای خود را به سازمانهایی شکل یافته سپارند که ضوابطی جهانی دارند و حافظ حقوق کارگر و نیروی تولید کننده اند. شوراها کارگری که در واحدهای مختلف بخش خصوصی حتی در بالاترین مسائل مدیریت دخالت کردند در بعضی مواقع توانستند سرمایه هائی را که هر لحظه امکان خروجش از واحد تولیدی و در نهایت از کشور بود حفظ کنند. آنچه که در این میان تا اندازه ای فراموش شده بود و شاید در آن دوره به علت نبودن تولید نیازی به آن احساس

شوراهای کارگری پیش از انقلاب و برای تصمیم گیری پیرامون امتصایات تشکیل شد و هنگامی که انقلاب شکل می گرفت کارخانه ها را از خطر نابودی و از هم پاشیدگی نجات داد و موقعیت زمانی ایجاد می کرد که کارگران بر همه امور کارخانه نظارت و دخالت مستقیم داشته باشند و

بانتشار مرانماه سازمان افسران ملی تجدید حیات خود را اعلام کرد

مصدق و جمهوری اسلامی هنگام با احزاب و سازمانهای ملی بکار برد. سازمان افسران ارتش ملی ایران سازمانی است سیاسی و سیاست آن با برنامه و سیاستهای ضد امپریالیستی احزاب و سازمانهای ملی تلاوتی نخواهد داشت و کلیه فعالیت های فکری و عملی خود را بر مبنای نهضت ملی دکتر محمد مصدق متمرکز نموده و با هرگونه ضدیت علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکند.

از سال ۱۳۳۰ تعدادی از افسران معتقد به اصول نهضت ناسیونالیستی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق به منظور تغییرات اساسی در بنیان ارتش و سوق آن از فردگرایی به ملتگرایی و تقویت عملی نهضت تشکیل گردید و تحت عنوان (سام) که کوتاه شده جمله: سازمان ارتش ملی است موجودیت خود را اعلام داشت. پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هدف حفظ کیفیت نهضت وسیله این افسران و خطری که از جانب آنها متوجه دستگاه بود به حبس و تبعید و یا عدم تفویض مشاغل حساس به آنها و یا به بازتنسنگی قبل از موعد با ایجاد تفسیفات مختلف انجامید.

هلهله برای گسست!

گرانفروشی به چند ضربه شلاق محکوم شد و مردم خواستند این مراسم در بعد از ظهر برگزار شود که بتوانند در شانمانی آن شرکت کنند. این شلاق نه تنها بر بدن يك گرانفروش تأثیر گذاشت بلکه جامعه را هم متاثر کرد. یکی از عوامل این تأثیر جدائی مردم از همدیگر پس از یک همبستگی عمیق بود که چندی پیش همه هستی خود را برای بدست آوردن این یگانگی به رایگان می دادند و اینک برای تماشای مجازات بدنی يك گرانفروش هلهله می کشند. شلاق زدن در این دوره از زمان و بدون وضع قوانینی که اینکار را مجاز اعلام کند بحتی جداگانه لازم دارد، لیکن شور مردم برای دیدن این زجر روحی و جسمی با هیچ معیاری قابل اندازه گیری نیست. چگونه ملتی که جان خود را برای دیگری به خطر می انداخت می تواند برای تنبیه دیگران اینطور پایکوبی کند. هنگامی که می باید آگاهی های لازم را به ملت ارزانی کرد تشویق به چنین روحیه هایی هرگز انقلابی نیست و هرگز وحدت نمی آفریند. الفسوس و دویغ از دستگاهی که چنین صحنه هایی را پخش می کند و مجازاتی را که می توانست حتی در مرز اعلام ولی بحال مردم سودمند باشد، و اینک به تنبیه بدنی و غیر اصولی مجسود شده است و این چنین با تازیانه بر جسم و روح همه مردم ایران فرود می آورد بدون آنکه عواقب آنرا دریابد.

و بازداشت گردیده اند. گرچه خبر دستگیری برادران بحرینی ما موجب تکرر خاطر هموطنان گردیده ولی این نشانه امیدبخشی است که در گوشه دیگری از سرزمین بزرگ ما برای دو هم کوبیدن سلطه دست نشاندهگان بیگانه آغاز شده است حرکتی که سرانجام به پیروزی ملت بزرگ ایران به رهبری امام خمینی خواهد انجامید.

نظام بیمه بیکاری ضرورت جامعه انقلابی ماست

مقاله در صفحه ۳

حرکت رهایی بخش در بحرین

سروگویی تظاهرات پر شکوه صدها هزار نفری مردم بحرین در برگزاری مراسم روز «قدس» و برپائی نماز جماعت، صدها نفر از جوانان پرشوری را که چشم به انقلاب رهایی بخش ملت ایران دوخته اند دستگیر و رهسپار زندان کرده است. در میان بازداشت شدگان گروهی از روحانیان متعهد و مبارز از جمله نماینده امام خمینی حجت الاسلام مدرسی نیز در منامه دستگیر

گزارش های رسیده از بحرین در هفته گذشته حاکی از توطئه ناجوانمردانه عوامل دست نشانده امپریالیستی کهنه و نو و بر ضد انقلاب اسلامی ملت ایران و برادران بحرینی ما بود. در گزارش آمده است: پلیس شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه حاکم غاصب بحرین این غلام حلقه بگوش امپراطوری بریتانیای کبیرا و سرسپرده اربابان تازه بلوران رسیده امریکائی برای

از آن بخصوص در ارتش انقلابی اسلامی ایران موجب گردهم آئی مجدد تعدادی از افسران بنیان گذار سازمان افسران ارتش ملی گردید. این گردهم آئی ها و مذاکرات منجر به تصمیم بر تجدید فعالیت رسمی سازمان مزبور شد تا بتواند گوشش و نیروی خود را ضمن گسترش تشکیلات از طریق جذب افسران و پرسنل ارتش ژاندارمری و شهربانی معتقد به نهضت ملی

برادر کردم...!!؟

از این برادر کشی چه کسی سود خواهد
برد، جز امپریالیست و نوکران دست به سینه
آنها که در ارگان‌های مختلف مملکت نفوذ
کرده‌اند و به ریش ما می‌خندند؟!!



بر مردم این منطقه از کشور رفته‌است
ندارند و با انحصار طلبی و تعصب خشک
می‌خواهند مردم را به اصطلاح به راهی
که خودشان نشان می‌دهند ببرند.
به او فکرم شایع است که کرد ها
قصد تجزیه طلبی دارند و می‌خواهند از
ایران جدا شوند. عصبانی شد و با تشریح
دوئی گفت «مزخرف میگن» چه کسی در
طی سالیان متمادی مرز های غربی کشور

مختلف کشور ، حتی مسئله نقه و کوچ
مردم هریوان تیر اول روزنامه‌ها را بخود
اختصاص داد از سرکنجکجای حرفه‌های
بسرانش رفتن که ماجرا از زبان اوبشونم،
دیگر آن شود انقلابی دروا نبود، با هم
به ناهار نشستیم، غم‌عجیبی چهره‌هاش
را پوشانده بود می‌گفت بخدا دستپائی
در دولت و کمیته ها به آتش افروزی
مشغولند !!
با اطلاعاتی که از منظره داشت از رفتار
بعضی از اعضای کمیته ها شدت انتقاد
می‌کرد و می‌گفت از روی قصد مردم را
تحریک می‌کنند و بعضی از روحانی‌ها
با تعصبات خشک به چشم کافر به کرد
نگاه می‌کنند.
به امام معتقد است و تاکید داشت که
امیدوارم با هوشیاری و کیاستی که در
رهبری وجود دارد هرچه زودتر اینگونه
عوامل مغرب تصفیه شوند.
از تحریف حقایق و تحریکاتی که در
اخبار رادیو تلویزیون میشد خیلی نگران
بود می‌گفت میخواهم بعنوان یک کردیش
آیت‌الله طالقانی بروم و از ایشان درخواست
کنم که هیاتی برای بررسی مسائل به
کردستان بفرستند.
از ستم فئودالها و خان های منطقه
داستانها تعریف کرد و معتقد بود که
بعضی از این نامرد ها پس از پیروزی
انقلاب رنگ عوض کرده‌اند و در کمیته‌ها
نفوذ دارند به آیت‌الله حسینی احترام می-
گذارد ولی می‌گفت اول امام.



از او پرسیدم گفته می‌شود که عوامل
خارجی در منطقه مشغول توطئه چینی
هستند در پاسخ گفتم : مسلما پیروزی
انقلاب منافع بسیاری از وابستگان به رژیم
گذشته ارتجاع و امپریالیستها را به خطر
انداخته و آنها نه تنها در کردستان بلکه
در همه نقاط کشور مشغول فعالیت هستند
ولی اگر دولت و مسئولان انقلابی با
فرستادن ماموران مومن و پاکدامن مسائل
مناطق مختلف را با توجه به رسم و رسوم
و سنت منطقه بررسی کنند ارتجاع موفق
نخواهد بود و خود مردم علیه آنها بدون
اقدام از مرکز متاثر خواهند کرد.
می‌گفت کسانی باید به عنوان مامور
حکومت مرکزی به مناطق فرستاده شوند که
حداقل آشنائی با آن منطقه را داشته باشند،
صحیح نیست که اداره شهری که همه
آنها کرد هستند و آداب و رسوم خاصی
دارند و گذشته از آن دل خونی از رژیم
گذشته و ستم های آنها ، به دست اشخاصی
داده شود که کوچکترین اطلاعی از آنچه

آتش می‌کشند سراسیمه خودش راه آنجا
رساند وقتی به تهران آمد با فرود گفت
پدرشون را در آوردم.

روزی که قرار بود آقا از پاریس به
تهران بیایند جزو افرادی بود که با آلبو
چارو مسیر حرکت آقا را تمیز کرده معتقد
بود که پس از پیروزی انقلاب ستم وظلمی
که به مردم کردستان شده تمام خواهد شد
و رهبران انقلابی لکری اساسی برای آن
منطقه خواهند کرد.

دیگر از او خبری نداشتیم ، انقلاب
به پیروزی رسید و رهبر انقلاب با پایمردی
دلیرانه مردم پس از مدت‌ها مبارزه با سر-
فرازی به وطن بازگشت.

چند ماهی گذشت و همچنانکه از پیروزی
های انقلاب است نارسائی هائی بوجود آمد
و در پی آن خبر هائی از ناآرامی در نقاط

پرونده سازی موقوف!!

انقلاب اسلامی ملت ایران با آنکه
نخستین و آخرین انقلاب ملت‌ها نبودولی
بیشک یکی از پرشکوهرترین رویدادهای
تاریخ جهان ملت‌هاست.
هریک از انقلابهای جهان در گذشته
داری ویژگی‌هایی بوده که در مجموع چند
ویژگی مشترک را در بر می‌گرفت و به
مناسبت شباهت‌های غیر قابل انکاری که
با یکدیگر داشتند. از تجربیات انقلابی
یکدیگر کمک می‌گرفتند. ولی انقلاب مسا

ریشه‌ی انقلاب ما و اعتقاد ما را دارند
می‌خشکانند ، دارند به اعتماد ما نسبت به
همه کس آسیب می‌رسانند

هیچ شباهتی با دیگر انقلابها و دگرگونیها
نداشت و در نتیجه هنگامی که به پیروزی
رسید بی‌آنکه الگویی داشته باشد یا ناچار
به رعایت فرمولی گردد، کم‌کم چون سیلی
که از مسیلتی تنگ بگذرد و به دشتی
پهن‌تر برسد توفندی و خروشنده‌گی خود
را از دست داد.
هر دسته‌ای برای خود مسیری را
انتخاب کرد و هر گروهی بنا بر سلیقه‌ای که
داشت خواست تا از موقعیت بهره‌برداری
کند و بر عقده‌های دیرینه با بدترین
تاکتیک‌ها و ناموفق‌ترین شی‌های غیر-
انقلابی مرعصی بگذارد، یکی از بدبختی‌هایی

آقای بازرگان اجازه ندهید آرزوهای
شیرین ما به خیال خام بدل شوند

که در این میان گریبان ملت ما را که
میرفت از جنگ استعمار رهایی یابد، گرفت
قدرتی است که بدست عده‌ای معلود سپرده
شد تا هر که را که میل دارند بکنج
کنند و به خاک سیاه نشانند و از همانجا
پرونده سازی شروع شد بازار تهمت‌های

حسن نیت و وطن دوستی صادر شده است
به گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که دیگر برادران
مسلمان را در مقابل برادر کرد قرار می-
دهند .

چرا در فیلمهای بقایای زرد خوددیاوه
تنها جنازه پاسداران بخون خفته را نشان
می‌دهند و از نشان دادن جسد پاره پاره
شده برادران کرد ابا دارند !!

چرا آن گروه از برادران کرد که در
صف انقلاب قرار گرفتند و حتی به ملاقات



امام رفتند و جانبازی خود را به انقلاب
راستین ملت مسلمان ایران اعلام کردند به
چوب تکفیر گرفتند و بدون ارائه مدرک
مستند صف آنان را از ملت جدا کردند.

حال که منطقه همانند نابرابرت شده چرا
بایک جلسه فوق‌العاده در محل مسئولان

انقلابی برای سرو سامان دادن و رسیدگی
به خواستهای حق مردم کرد اقدام نمی-
کنند؟!

از این برادر کشی چه کسی سود خواهد
برد ؟ جز امپریالیست و نوکران دست به

کرد تجزیه طلب و دوست بیگانه نیست
بخداوندی خدا ، کرد در مقابل پرچم سه
رنگ ایران سر تعظیم فرود می‌آورد.

سیئه آنها که در ارگانهای مختلف مملکت
نفوذ کرده‌اند و به ریش ما می‌خندند !!
برادر کرد در حالیکه بغض در گلو داشت
فریاد زد ، بخداوندی خدا ، کرد تجزیه طلب
و دوست بیگانه نیست ، بخداوندی خدا ،
کرد در مقابل پرچم سه رنگ ایران سر-
تعظیم فرود می‌آورد ولی نه در مقابل
زور و ستم .
تابان

اگر حرف‌ها به عمل پیوند نخورند!!

بداند و دوم آنکه این دستگاه بتواند
هرچه بیشتر با اجرای یکسان و عادلانه‌ی
قانون همه‌ی گروه های اجتماعی را در بر-
گیرد ، زیرا که حمایت از گروهی مخصوص
باعث می‌شود که در دل جامعه يك توده‌ی
مخالف عقاید و خط مشی های کلی دولت
بوجود آید .

موضوع عدم اجرای درست قوانینی در
مملکت ما در گذشته ، به خشن ترین و
نامساعدترین وضع ممکن، موجب تحریف
قانون و ناراضایی و خشم مردم شد .

ماموران اجرایی در نظام وابسته‌ی
گذشته قانون را با میل و سلیقه و منطبق
با منافع خود تفسیر می‌کردند و به موقع
اجرا می‌گذاشتند و یا آنکه اصلا اجرا نمی-
کردند . دادگستری یعنی دیوار عظیم عدالت

که بایستی حافظ و نگهبان اصلی قانون
باشد ، خود بطور شدیدی تحت تاثیر
سیستم اجرایی بود و عامل عمده‌ای در
ایجاد ناراضایی مردم . هر آسیب دیده‌ای
که از دری وارد می‌شد پس از مدت‌زمانی،
عصیانگر و خشم زده از در دیگر خارج
می‌گردید .

بایان آن شب دوازده و سیاه صبح بیهوشی
بود که همه تارو بود نظام گذشته را از
هم گسست و مردم بدان امید که در نظم
نو، نشانی از ستم نخواهد بود ، زندگی
مفهوم راستین و انسانی خود را

یافت ، آفتاب بر شوره‌زار و گلستان یکسان
خواهد تابید ، شمار ها به واقعیت خواهند
پیوست همه‌ی آلودگی‌ها را بریزان
شستند و امروز اگر دوباره همان صابنه‌ها
حکومت کنند احرف ها به عمل پیوند
نخورند ! انتقاد راهی به انتقام جوید !
قضاوت سرسری و غرض آلود گردد احرف

حق تلخ و تحمل ناپذیر باشد !! دفاع از
توده‌ی ستم دیده و تهنی دست بهانه‌ی بیش
برای بر کردن انبان طمع نباشد !!
وای بر ما و فردای سیاه و بی‌امیدمان!!
وای بر کودکانمان که چه رویا های زیبایی
برایشان داشتیم !!

مردم گردد . این گزاره نیست اگر بگوئیم
اجرای قانون بهتر از خود قانون است.
رغم موفقیت بسیاری از کشور های
پیشرفته تنها وجود قوانین و نظام های
مفید به جامعه نیست بلکه وجود مجریان
و مدیران آگاه و درستکار که سبب اجرای
صحیح قانون می‌گردند ، علت اصلی
بیشتر است و دلیل خشودی و رضایت
مردم که سرانجام به ثبات سیاسی می-
انجامد . و عدم اجرای قانون به ناراضایی
اجتماعی پایان می‌یابد که خود سبب تزلزل
در ثبات سیاسی يك جامعه است . يك
دستگاه موفق ، دستگاهی است که نخست
بتواند فاصله‌ی خود و توده های مردم را
کمر کند بگونه‌ای که مردم دولت را از خود

اگر انتقاد راهی به انتقام
جوید، قضاوت سرسری و
غرض آلود گردد و حرف
حق تلخ و تحمل ناپذیر باشد
وای بر ما و فردای سیاه و
بی‌امیدمان!!

علیه اجرای ظالمانه قانون بوده است
مسأله‌ی اختلاف در نحوه‌ی اجرای قانون
و تفاوت آن با اصول قانون تنها محدود به
نظام عرفی و کشوری نیست ، در اصول
و قوانین مذهب نیز این دخالت و تصرف
مجریان قانون در طرز اجرای آنها بسیار
دیده شده است و نحوه‌ی تصرف آنها از
اهمیت بسیاری برای رفاة جامعه برخوردار
می‌باشد .
با این مقدمه چنین نتیجه می‌گیریم که
برای سلامت جامعه و اجرای واقعی عدالت
تنها وجود قوانین خوب کافی نیست زیرا
که بهترین و عادلانه ترین قانون‌ها ممکن
است بدست مجریان ناشایست ، به بدترین
صورت اجرا گردد و موجب ناراضایی اکثریت

نخستین اصلی که در هر قدرت اجتماعی
به چشم می‌خورد اصل حفظ قدرت است،
چرا که در بدست آوردن آن مبارزه شده
است و هدف‌ها و محرک‌ها یی زودگذر یادی
گذر موجب این مبارزه گردیده‌اند . ولی
برای حفظ این قدرت می‌بایستی قدرت
اجتماعی از راه‌هایی وارد شود که کمتر
با واکنش های توده های مردم روبرو گردد.
و این بطور روشن در مرحله‌ی اجرای
قانون در سطح جامعه است .
یکی از بلا های بزرگ جامعه و مهم‌ترین
مانع گسترش عدالت ، عدم اجرای صحیح
قانون از سوی مجریان است .
اجرای ناقص و نابجای قانون ، تبعیض و
تحریف و تفسیر های مختلف در مورد
اصول و نظامات ، اعمال متعصب و نظرات
خصوصی از سوی مجریان قانون ، عوامل
عمده ناراضایی عمومی است .
تاریخ دگرگونی های اجتماعی ، سیاسی
ملت‌ها مجموعه‌ای از مبارزات بی‌میرمرد

هر به‌زندان رفته و توبه‌نامه نوشته‌ای را
قهرمان نمی‌خوانیم چرا چماق تکفیر برداشته
و همه را با آن از در آشتی و عطاوت می-
والمیم .

پیرونده سازی، اتهام، افترا و تهمت
موقوف، برگشته که برآستی همه ما (با)
توجه به درصد بسیار ناچیز آنها که بی‌وسمه
با نظام گذشته در جنگ پیروند و از هیچ‌یک
از زموهت‌های پیشکش شده‌ی آنها برخوردار
نشده‌اند در آن سهمی هریک به اندازه خود
داشته‌ایم چشم ببوشیم و پاسدار ره‌آورد-
های مقدس و بزرگ انقلابان باشیم .
هر سرانگشتی برای گشودن گره‌هایی
که می‌رود تا با دویغ گور شود، آنسری
معجزه‌آسا دارد این دست‌ها را که می‌تواند
ایران فردا را بسازد قطع نکنیم و حضورشان
را گرمی بداریم .

اینقدر آسان به داوری ننشینیم که
گاه چنان ظلمی روا می‌شود که جبرانش
امکان‌پذیر نخواهد بود .

میهن پرستی و کشف بزرگ ارشمیدس

در بی اظهارات ضد ملی عناصر وابسته به بیگانه تعدادی از افراد غیرمسئول چونان ارشمیدس که بعد از کشف قانون وزن اجسام در داخل مایعات از حمام بیرون دوید و فریاد زد که یافتم، یافتم. بناگاه نسدا در دادند که ما کشف کردیم: (میهن پرستی شرک است) و در زمانی که پیش از هر موقع ملت به میهن پرستی جوانان این مرز و بوم برای حفظ حاکمیت ملی نیاز داشت افکار آنان را پریشان نمودند و شگفتا که برخی از افراد مطلع نیز از ترس تکفیر میهن پرستی را به میهن دوستی تبدیل کردند.

از ترس تکفیر میهن پرستی را به میهن دوستی تبدیل کردند.

ببینیم آسایان چگونه به این کشف نازل آمدند. در سراسر قرآن مجید آیات بسیاری در نکوهش از بت پرستی و ستایش یکتا پرستی و مشخص کردن موارد شرک نازل شده است و با توجه به اینکه پرستش مخصوص خداوند است حضرات با فرض به اینکه میهن پرستی معنی اش پرستش گویه و دشت و جنگهای میهن است آنرا مخالف با یکتا پرستی دانسته و میهن پرست را شرک اعلام کردند.

نخست برای درک صحیح آیات قرآن مجید بایستی به شان نزول آن توجه کافی نمود و تائید شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان نزول قرآن را کامل در نظر گرفت و با زمان حال مقایسه کرد. قرآن مجید در زمانی نازل شد که تمام تار و پود و بافت فرهنگی اعراب از بت پرستی و شرک تشکیل شده بود در نظر آوریم که هر یک از اقوام عرب برای خود بتی در خانه کعبه داشتند و شعری آن قوم تمام سعی خود را بر آن مینهادند که حداکثر هنرنمایی را در ستایش از بت قوم خویش بکار برند و هر ساه شعر بلندی در وصف آن برسر آینه و در نتیجه بسیاری از کلمات و استعارات و اصطلاحات زبان عربی آن زمان رنگ و بویی از بت پرستی و شرک داشت و بدین جهت قرآن علاوه بر نفی بت پرستی برای از بین بردن هرگونه آثار آن تاکید بسیار دارد زیرا آثار بت پرستی تنها در خانه کعبه نبوده بلکه در فرهنگ اعراب ریشه داشته است. اما در همان زمان بیش از ۱۵۰۰ سال از یکتا پرستی ایرانیان میگذشته و فرهنگ و تمدن ایران عاری از تصورات بت پرستی بوده است و در فرهنگ جامعه فعلی ایران جایی برای بت پرستی وجود ندارد. البته اگر در فرهنگها به لغات بطور مجرد و از زاویه بت پرستی بنگریم شاید به کشفیاتی هم نائل شویم: عروسک - مجسمه - تابلوهای نقاشی و حتی مهرهای شطرنج و بسیاری از پدیده های فرهنگی را می توان به گونه ای به بت پرستی ربط داد. می توان به دختر بچه ای که با عروسکی بازی میکند مهر بت پرستی و شرک زد، مجسمه سازان را مبلغ بت پرستی دانست. ناآنان هنرمند را مشرک و مهرهای شطرنج را تکفیر نمود اگر در این زمینه پیش روی

آن پرنده بلاستیکي را که فلان راننده تاکسی در جلو داشبورد تاکسی خود نصب میکند میتوان نوعی به بت پرستی ربط داد و راننده از همه جا بی خبر را مشرک دانست ولی اگر در نظر بگیریم که از دیدن عروسک اسباب بازی هیچگونه تصویری از بت به ذهن ما القاء نمیشود و مجسمه فلان شخصیت تجسمی از بت داشته باشیم و مجسمه سازی را به عنوان یکی از رشته های هنر در دانشکده های خود پذیرفته و مجسمه ساز را هنرمند میدانیم. باید آنچه از شنیدن نام این اشیاء به شنونده منتقل میشود در نظر گرفت نه ریشه لغوی آنها را. از شنیدن و خواندن «میهن پرستی» به ذهن عیجکس پرستش گویه ها و بیابانها منتقل نمیشود و به عارت دیگری از جمع (میهن) و (پرستی) اصطلاحی بوجود آمده است که مفهوم آن با معنی تکتک آنان متفاوت و به معنی (نگاهداننده میهن) میباشد.

با دوستی صحبت از گروه های سیاسی بود گفتیم: (با اینها که مسلمان هستند دیگر چرا؟) گفت اینها مسلمان نیستند و مشرکند گفتم از کجا کشف کردی گفت: مگر اعلامیه های آنها را ندیده ای همیشه می نویسند بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران. ما در هیچ کجای قرآن بنام خلق نداریم و همه جا بنام خدا و در راه خدا داریم پس اینها از خط قرآن خارج شده اند جل خالق اگر استدلال بر این پایه باشد

باید گفت که در کره خاکی نه تنها مسلمان بلکه موجد نیز نخواهیم یافت. داستان موسی و شیاب را بیاد آوریم که در پایان پروردگار

جهان وطنان وقتی کفگیرشان به ته دیک خورد به ملیت و وطن متوسل می شوند تا بلکه خود را نجات دهند.

به موسی گفت: تو برای وصل کردن آمدی نی برای فصل کردن آمدی ما دژون را بنگریم و حال را مایرون را ننگریم و قال را بهر حال صحبت از میهن پرستی بود و افاضات جهان وطنان که بر علیه ملیت قیام کرده اند و یک زمان ندا در میدهند که رئیس جمهور احتیاج نیست که ایرانی باشد و روز دیگر از بردن نام چند هزار ساهه خلیج فارس ظفره میروند اینان باید

آقای شهردار دستخوش احساسات نشوید

بشت سر داریم و انقلاب عظیم فرانسه را و در تاریخ هیچ یک از این دو ملت قناسگر آن نیستیم که به یکباره خط بطلان بر همه گذشته ها بکشند. کاخ تزاران با آنکه یاد آور آن دوران وحشت و اختناق و بکه تازی است هنوز سر به آسمان می ساید و نمایش عظمت ملت بزرگ ارس است. فرانسوی ها هم سالروز تولد ناپلئون را جشن می گیرند و هم تندیس ماری اتوانت را حفظ می کنند اینها هر یک دوره ای از زندگی پر نشیب و فراز ملتی است که از میان لیبب آتش و خون سر برافراشت و بزرگترین پایه

پیرامون مسائل کارگری

نظام بیمه بیکاری ضرورت جامعه انقلابی ماست

متاسفانه پس از پیروزی ملت تاکنون در جهت تامین حداقل زندگی کارگران بیکار اقدام بنیادی و اصولی انجام نپذیرفته است. با پیاده نمودن و تحقق بیمه بیکاری کارگران نه تنها حق کارگران بعنوان یکی از مهمترین حقوق فرد شناخته خواهد شد بلکه وظایف و تکالیف دولت و مسئولین امر نیز در تلاش برای یافتن کار چیست بیکاران روشن و مشخص تر میشود و خلاء ناپذیر کننده بیکاری در زندگی کارگری از بین خواهد رفت و با دوراندیشیهای صحیح

بار دیگر در همان جایگاه!؟

کشادی بر تن وجوانی که هر خواری و سستی را از مدیر مدرسه اش به خاطر چندرغز غلظت تحمل می کرد و مرا که به یاری اش رفتم بودم بهنگام طرح شکایت تنها رها کرد. منکر همه رفتار های پلیسی آن اقا شد. ریش تا سیبل نشسته بودند و داد انقلاب می زدند. و بار دوم برشمار آدم های حاضر در جلسه افزوده شد. دو سه تن «برادر» و سه چهار تن «خواهر» انقلابی!! قلم بدست گرفته و سر نوشت معلم و مدیر و ناظم چندین و چند سال خدمت کرده را با یک کلمه زیر و زبر کردند. در انتخاب مدیر مرد، ضوابط چندان زیاد نبود و سختگیری هم چنین، ولی در گزینش مدیر زن، شرط و شروط بسیار اضافه شد. سابقه وسواد و قدرت مدیریت چیزهایی در درجه ی چشم بودند، آنچه مهم می نمود تطبیق ظاهری خانم مدیر با جو حاکم بود پس!! در تعریف از شایستگی خانمی گفته شد: مگر چه تا سال پیش دست کمی از بریتیتس بارو نداشت ولی در سفر خارج از ایران به عظمت انقلاب پی برده و در بازگشت ظاهر خود را چنان ساخته که حالا صلاحیت اداری مدرسه بزرگی را داراست!!

سخنان تشویق آمیزش در لضا هم نشده بود که به مسئول برنامه ریزی مدرسه هشدار داد « میادا برای خانم... امسال هم درس بگذارید! » از شنیدن نام خودم آنهم با القابهای چندش آور یکه خوردم. از او در باره ی خانم ... سؤال کردم به ردیف کردن مشتی اباطیل پرداخت که کمونیست و وابسته و گمراه از خوبترینشان به حساب می آمد. پرسیدم او را می شناسید؟ چنان

بهد آن شاخ می پرید. کارمن تمام شد و با نوشتن جمله ای خانم وزیر بسیار خوبان، عدم شایستگی مرا برای معلمی صحه گذارد. بعد ها گفتند آن مرد در بستر بیماری و رنج از سکتی ناقص از سرخوش باوری رنجش مرا سبب می دانست!! حالا بیکار دیگر من در همان جایگاه قرار گرفتم. با بقض تلخی در گلو به خانه رسیدم، دخترم که به اقتضای نوجوانی زودباور و

اگر دیروز آئنه ناکاه سی و تهدید و فشار و ستم را تحمل می کردم به امید رسیدن امروز بود ولی حالا...

احمقانه به ردیف کردن دروغ پرداخته که همراه و کمونیست که آتش به ایمان و فاسد و کمونیست که آتش به ایمان و اعتقاد دانش آموزان الکئنده و ظاهری رنگارنگ و زنده دارد، من هستم. آقای بسیار شریف، آن معلم، من ساده ی برداری عاشق ایرانم و گناهم و بزرگترین گناهم اینستکه به هنگام خاموشی و وحشت دیگران فریاد برآوردم که تجاوز کاسی است، تجزیه میهن خیانت است رنگ از رویش بریده بود. زبانش به لگنت افتاده بود و همچون مرغ گم شده ای از این شاخ

وختی نظمین تیغه های صبح آزادی، میهن به خون نشسته ام و زندگی بخشیده، سینه از هوای آزادی پر کردم و پیشانی بر خاک خانه ی رها شدم سالمیم، که خدایا سیاس. با خود اندیشیدم، به تلافی همه ی آن انتظار بیامی از دوست و کلام میهنی تا کور سوی نوری بر خانه ی به تنهایی نشسته ام، فریاد آزادی سرخوادم داد. پای خواهم گوید. دست خروادم اشناند و کودگانم را که تلخی درهای بسته و چشمان نظاره گر مامور را در همه ی روز های شادی و بی خیالی تحمل کرده اند، نوید خواهم داد که دیگر رهایی است و سر بلندی و همسانی. خانه را آذین خواهم بست و شاگردانم را که دست ستم میانمان جدائی افکند صلا خواهم داد که

با خود گفتم گرد ملال از خاطر خواهم زدود و غم آن سال های سیاه را به فراموشی خواهم سپرد... افسوس

آدم، بار دیگر زلال مهربان برهستی من روان باد و کام به تلخی خو گرفته ام شیرین از هلاوت گلخنده های معصومان. چون کودکان به باغ رسیده شادی لبریز جانم را به سفری همگان نهادم، باشد

چین و شوروی از این قماش هستند و سالهاست که دهها لشکر از ارتش های خود را در طول مرزهای مشترک بحالت آماده باش نگهداشته اند زیرا که بر سر منقله های هر دو ادعای حاکمیت دارند و هیچکدام حاضر به گذشت نیستند. آریا انترناسیونالیزم چنین میگوید که دو کشور با داشتن یک مرز بر سر قطعه ای از خاک با یکدیگر بجنگند؟ شما یک کشور انترناسیونالیست را نشان بدهید که به گفته های خویش عمل کرده باشد! بر خلاف ظاهر امر شعاع حقیقی دولت های انترناسیونالیست اینست که: (هرچه شما دارید از آن همه است و آنچه ما داریم مال خودمان است). اینان در صحنه بازی شطرنج بین المللی تنها با در نظر گرفتن منافع و مصالح کشور خویش به بازی می نشینند و سرنوشت ملت های دیگر برای آنها کوچکترین اهمیتی ندارد و به همین جهت است که می بینیم یک روز به مبارزان اریتره در مقابل حکومت مرکزی یاری میدهند و روز دیگر چون حکومت مرکزی را بایک کودتا در دست میگیرند بر علیه اریتره به حاکمان جدید کمک می نمایند تا مبارزان اریتره را نابود کنند زیرا دیگر احتیاجی بوجود آنان ندارند. دردنیای کنونی احمقانه است که اگر فکر کنیم کشوری منافع خود را فدای دیگری خواهد

دارند. دوست دارند وقتی به محله قدیمی زادگاهشان می رسند چشم ها را ببندند و همه چیز را همانسان که بود بیاد آورند، دیوار ها را، جوی پر آب را، کوچه هارا و نام کوچه ها و خیابان ها را حلالیاییم و همه گذشته ها را بدلیل آنکه حاکمی تیره دل بر شهرمان حکومت می کرده بلور افکنیم با خاطر امانان چه می کنیم؟! با خاطراتی که مجموعه آنها زندگی ما را می سازند!! از همه ی اینها گذشته چه تفاوت است بین شهرداری که در گذشته بخاطر خوش خدمتی نام خیابانی قدیمی را تغییر می داد با شهرداری که از تفکر جدا مانده واسیر احساسات آنی شده و درست همان می کند که در گذشته می کردند!؟

کارگران ایران که در نظام منقور پیشین از محرومترین طبقات اجتماعی بشمار میامند و برای بست آوردن ابتدائی ترین حقوق انسانی دالما در نبرد بودند کسانی هستند که در سر تگونی دژخیم کوبنده ترین خرابات را به بیکر منقور آن رژیم وارد آوردند و در انقلاب شکوهمند ملت ما نقش تعیین کننده را به عهده داشتند، اینک پس از به ثمر رسیدن انقلاب بی صبرانه انتظار دارند که در جهت بهبود وضع اجتماعی آنها توجه بیشتری شود.

و شعار و دستورالعمل نظام منقور پیشین که به ملت ما و بخصوص به زحمتکاران آن داده میشد و عبارت بود از زحمت و کار از آن تو - شود و رفاه از آن من!!! دیگر مصداق پیدا نکند.

اگر دیروز آئنه ناکاه سی و تهدید و فشار و ستم را تحمل می کردم به امید رسیدن امروز بود ولی حالا...

پرشود است، به مبارزه تشویق کرد و گذشته را یادآور نمود که « چنان يك تنه مدافع پایکامت بودی؟! با انوهی به بیکرانی زندگی، بی پاسخی نوید کننده بر او به اتاقم خزیدم و با خود گفتم اگر دیروز آئنه ناکامی، تهدید، فشار، و ستم را تحمل می کردم به امید رسیدن به امروز بود، روزی که در میهنم بی وجود شاه زندگی جریان یابد ولی امروز... تقاضای بازنشستگی را در دو سفر نوشتم و از سر آئنه رویای زیبا درگذشتم.

طرح ترافیک پس از ماهها بحث و ارائه پیشنهادهای مختلف، بالاخره باهمازن ضوابطی که از ابتدای امر پیش‌بینی شده بود به اجرا در می‌آید.

فاطمیتی که برای اجرای طرح به‌عمل آمد می‌توانست گروه‌کنشی مشکلات مختلف در کمور شود که برامر ترافیک متمرکز شد.

در چند روز گذشته با قرار دادن بلوکهای سیمانی در خیابانها، مردمی که ناگزیر از تماشای آن هستند یاد اجرای این طرح در زمان نیکویی می‌افتند که با نهادن بلوکهای سیمانی می‌خواستند حد فاصل دو طرف خیابان را تعیین کند و با اولین باران و پس از آن با نزول برف از آسمان که کاملا روی بلوکها را پوشانده بود متوجه اشتباه بزرگ خود شد و بسا مقاومتی که نشان می‌داد پس از چند برخورد اتومبیل با بلوکها ناگزیر به جمع‌آوری آنها شد.

در زمان گذشته این بلوکها بجای خط سفید ممتد در وسط خیابان قرار گرفته بود و در حال حاضر این سیمانها در خط های عبور قرار دارند که حتی بدون ریزش برف و باران تصادم و توقف اتومبیلها را

بلوکهای سیمانی محدودکننده‌ای دیگر برای مردم طرح شکست خورده و تجربه‌ای دیگر

در پی خواهد داشت. معلوم نیست دولت که اینگونه فشار بر اجرای طرح ترافیک دارد و با وجود توضیح فراوان مردم در رادیو و مشکلاتی به طور حتم پیش می‌آید، چگونه بطور کامل مطمئن به تحقق این هدف است که اندکی دیگر از اعتبار خود را بر روی طرحی مصرف کرده است که اگر حمل برانقلاب غیرسازنده نباشد، موفق نخواهد بود و از مواردی است که محتاج به اجرای آن و تجربه عملی نیست.

مردمی که نمی‌توانند هرروز شاهد تصادف با بلوکهای وسط خیابان و محدود کننده باشند، در موافقی که می‌توانند از محل عبور اتوبوس و تاکسی رفت و آمد کنند و حتی اگر جهت اتوبوس و تاکسی را خلاف مسیر معمولی در نظر بگیریم باز

گروههایی که از دولت پیروی نمی‌کنند از محلهای ویژه می‌گذرند و برای مسئولان شهرسازی باقی می‌ماند

هم بهانه و عذری برای حرکت در آن خطوط و برای اتومبیلهای شخصی خواهد بود.

تجربه بستن و محدود کردن منطقه‌ای از شهر برای عبور اتومبیلهای شخصی بسیار شکست خورده به‌نظر می‌رسد و اصرا در برقراری دوباره آن راهی نیست که به سود دولتی باشد که می‌خواهد در دل مردم جای باز کند.

هنوع محدودیت واکنشی به دنبال خواهد داشت که جمع این کنش‌رواکنش مشکلاتی پیش می‌آورد که مورد نظر هیچکس نخواهد بود.

مقاصد دولتی شاید این تصور را دارند که با فاطمیت عبور هنوع اتومبیل به استثنای وسایل نقلیه عمومی را در محلهای ویژه ممنوع و جلوگیری می‌کنند، لیکن در عمل گروههایی که شرایط ویژه‌ای برای خود یافته‌اند و دولت هم بطور صریح

خواست برحق برادران

بقیه از صفحه اول در آمد. در این کشور مانند دخانیات، راه‌آهن سراسری و مانند آنها وجود داشت، روزنامه‌های آنروزها را ورق بزنید هرروز سخن از اعتصاب در کارخانه‌های دخانیات بود، هرروز سخن از اعتصاب در راه‌آهن سراسری و کارخانه چیت‌سازی تهران و نساجی مازندران بود یعنی آنکه درآمد ملت ایران را هم از میان می‌بردند ظاهر امر هم این بود که به خواسته‌های برحق کارگران پاسخ لازم داده شود. اما پایان این ماجرای دردآور چه بود پس از بلند نغان افکندن در میان این مردم میوه کودتا چیدن.

امروز هم در حالیکه هزاران توطئه در گوشه و کنار ایران وجود دارد کسانی برای آزادی اشک‌شمار میرزید عثمان کسانیکه در روز قلم جز بغا طسر ستایش دیکتاتوری نمی‌زدند گفتاری جز در صلح دیکتاتورها نمی‌گفتند و بدبختی‌های این مردم را یکسره از یاد برده بودند امروز ندبه میکنند که در حرکتیای اسلامی ملت ایران آزادی مورد توجه قرار نرفته است در گجای دنیا، آزادی که در شش ماه گذشته در ایران وجود داشته است با این مرز بی‌حد وجود داشته اما قطعی‌است وقتی که پای سرنوشت ملت در میان باشد وقتی که استقلال و وحدت کشور در خطر باشد هرچیز دیگر را ملت ایران به دست خود قربانی خواهد کرد تا استقلال حفظ شود. بدینی است که حفظ استقلال این معنی را نمی‌دهد که ما به دیگر دست‌آورد‌های انقلاب اسلامی ملت ایران بی‌اعتنا باشیم. باید آزادی‌های فردی و اجتماعی وجود داشته باشد اما این تا مرزی است که به استقلال ایران ضربه‌ای وارد نشود.

آزادی اندیشه، آزادی گفتار و آزادی نوشتار از دست‌آورد‌های انقلاب است که در جای خود باید به آن احترام گذاشت و باید آنرا حفظ کرد اما هیچک از این آزادیها مفهوم آزادی توطئه، آزادی برهم زدن استقلال و آزادی در عملی که آزادیهای ملی را به خطر بیاندازد و به آنها لطمه بزند را در بر ندارد و باز همانطور که گفتیم انقلاب اسلامی ملت ایران نمی‌تواند به خواسته‌های گروه‌های اجتماعی گوناگون بی‌اعتنا باشد و در راه برآوردن آن گام بر ندارد با سخن ساده‌تر نه مردم ایران می‌پذیرند بسط استبداد باقی بماند نه انقلاب در مرزی خواهد ایستاد که بهره‌کشی فرد از فرد برجا باشد.

فروهر در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به رویدادهای اخیر غرب کشور گفت:

در برابر نخستین ناآرامی‌هایی که در کردستان پدید آمد، از من خواسته شد به علت داشتن رابطه‌هایی خاص به آنجا بروم.

مردم کردستان مانند سایر مردم ایران سالیان دراز زیر بار ستم بسر برده بودند و خواسته‌هایی برای پایان دادن به ستم آن سالیان دراز داشتند. بگمان من ایسین خواستها همه بحق بود، به‌آنها گفتیم و در گزارشهایی هم که دادم اعلام داشتم این خواستها بحق است و باید که انجام‌پذیرد اما همان هنگام به برادران کرد هشدار دادم که برحذر باشید از کسانیکه شما را ترغیب میکنند اسلحه بدست بگیرند و با زبان

طرح ترافیک پس از ماهها بحث و ارائه پیشنهادهای مختلف، بالاخره باهمازن ضوابطی که از ابتدای امر پیش‌بینی شده بود به اجرا در می‌آید.

فاطمیتی که برای اجرای طرح به‌عمل آمد می‌توانست گروه‌کنشی مشکلات مختلف در کمور شود که برامر ترافیک متمرکز شد.

گلوله بخواهید که خواستها شما برآورده شود به‌آنها یادآوری کردم به گذشته نگاه کنید. خواسته‌های مردم کردستان دهها بار به زور اسلحه مطرح شده است و هر بار شکست خورده است بیاید یکبار در حالی که انقلاب اسلامی ملت ایران به پیروزی رسیده است و شما خود سهم بسزایی در پیروز شدن این انقلاب داشته‌اید از زبان سیاسی و با هم سخن بگوئید و خواسته‌های خود را بصورت یک برنامه سیاسی طرح کنید با کمال تأسف کسانیکه از آن سوی مرزها دستور می‌گرفتند آنقدر توطئه کردند که امروز این گوشه پرآرزو میهن ما را به صحنه خون و آتش بدل کردند و این گناه هرگز از نظر ملت ایران بخشودنی است.

گیری می‌شود و در رد رفتارهای غیر اصولی و تحریک‌آمیز که بی‌آمدهای تلخی بدنبال دارد. چنین گفت: «مردم هیچ‌چیز را حق ندارند به کتابفروشی‌ها تعرض نمایند. اشخاص غیر مسئول از دخالت در این‌امور جدا خودداری کنند والا مواخذه می‌شوند»

و یکبار دیگر، در بزرگراه، تصمیم‌گیری قاطع و درست رهبری انقلاب گرمس گشای مشکلات فراوان گردید و از سویی معلومان شد که مرکزهای قدرت و دستگاه های اجرائی با خواسته‌های رهبری آگاه، درآوردن و بدین‌وسیله با گذشت انقلاب چه فاصله‌ای طولانی دارند.

بایتم از این فرصت طلایی با همه توان انقلابی خود به سود مردم این سرزمین و ویژه در راه استقلال ایران بهره‌گیریم. و آزادی فردی و اجتماعی را تا آنجا که با آزادی ملی برخورد نداشته باشد ارج نسیم.

براستی زمانی که امام هم تاکید به تقویت نیرو های انتظامی و ارتسی دادند هنوز هم حرکت سنجیدهای از سوی مسئولان به چشم نمی‌خورد و چوب تکفیر همچنان بر سر نظامیان خودنمائی می‌کند.

چرا هنوز فکری اساسی برای تقویت ارتش نشده و با آنکه مدت کوتاهی از انقلاب نگذشته بیشترین تغییرات و تحولات در سطح بالای ارتش صورت گرفته است بنحوی که در میان رده های پائین تردید هائی بوجود آورده که عاقبت خود را با لگویی کدام فرماندورئیس ستاد هماهنگ کنند.

براستی خلع سلاح در چنین شرایطی به سود چه کسی است شد انقلاب یا انقلابیون.

غیر ممکن می‌گردد. برایانی، در هرگوشه‌ای از این‌خاک، به خون کشیده شود داغش بردل همه‌ی ما می‌نشیند.

کرد و لر و مازندران، آذربایجانی و تهرانی همه فرزندان این آب و خاکیم و بی‌گمان خواهان سربلندی میهن و آسایش هم‌میهن، چرا باید کار یک اختلاف کوچک، یک‌دلگیری بی ارزش را بجایی بکشانیم که به شهادت بسیاریانمان بیانجامد؟! بی‌گمان در فاجعه‌ی تلخ و جانگداز غرب میهن، بیشترین گناه متوجه دولت است که به موقع نیازهای طبیعی و حتی هم‌میهنان ستمدیده‌ی کرد را پاسخ نگفت! به آنها که خواهان حفظ پاره فرهنگهای خود در چارچوب ملیت ایرانی بودند و می-

سندیکا مدافع حقوق ...

بقیه از صفحه اول ادامه کار شورا که در همه مسائل دخالت کند و در عین حال مراتب کامل رفاه کارگران باشد یا سندیکا که به‌رحال حلقه زنجیر محکم را به عهده دارد و تنها در بعضی امور داخلی و در مجموع برای حفظ حقوق کارگر فعالیت می‌کند

بحتی است که نیاز به بررسی بیشتر دارد. در این زمینه با دکتر رضا صدوقی معاون وزارت‌کار گفتگویی انجام شد وی پیرامون شوراها گفت هنوز این کار جمعی قلاب مشخصی پیدا نکرده است، حدود وظایف و مسئولیت آنها مشخص نیست و تنها علت تشکیل آنها است که گاملاوشن و برای برپایی اعتصاب و همکارسانی به بقیه کارگران و خانواده آنها بوده است. صدوقی گفت این شوراها که به عنوان نگاهدارنده کارخانه بود، پس از انقلاب و هنگام اداره کارخانه‌ها با مدیریت و مسئولیت‌های آن در بعضی مواقع تضاد پیدا کرد.

صدوقی در تشریح این تضاد گفت بستگی به شخصیت شورا داشت و در بعضی واحدها مدیر انتخاب‌پکرد، مواد اولیه خرید و دوبروی مدیر قبلی ایستاد و در بعضی مواقع با ایستادگی در مقابل هزینه‌ها مدیریت کارخانه را با وضع دشواری‌دوبرو کرد. او معتقد است اگر بخواهیم شورا را حفظ کنیم باید وظایفش را مشخص کرد، کیفیت تشکیل شورا تعیین و اعضای آن

بار دیگر انتخاب شوند. از صدوقی معاون وزارت کار پرسش می‌شود تفاوت شورا و سندیکا را بیان‌کنند و در صورتی که همان امتیاز شورا به سندیکا سپرده شود چرا از یک اصل قدیمی و تمیز شده سود نجوییم و برای شوراها آئین‌نامه‌ای تازه و ابتدای بسازیم که هیچ زمینه تجربی ندارد رضا صدوقی گفت فلسفه ایجاد سندیکا، اتحاد کارگران یک واحد به قصد دفاع از حقوق خودشان است و

خواستند از خود گردانی برخوردار باشند توجه کافی نمود!! به قولیایی که نمایندگان و فرستادگانش داده بودند، عمل نکرد!! اجازه داد درگیری‌ها چنان‌دلمشغولش دارند که این مهم به بوه اجمال‌الشداولی هم‌میهنان کرد ما نیز در این میان بی‌گناه نیستند، زیرا که از سویی موقعیت‌حساس دولتی را که وارث هزاران مشکل ناخواسته

رفت!!؟ چه سبه‌روی مردمی، اینان پر کردند و از لیبب آتش شادمان شدند!!؟ خانه چه کسانی ویران شد؟ چه سرقودانی به خاك و خون افتادند و چه چشمانی گریان شد؟ من در این گوشه‌ی تهران شلسوغ گریسته و تو در آن دور دست میهن سینه چاك دادی. هر دو در مسرك دلآورانمان گریستیم و دشمن شادمانه تمانشاگر اشك

چه‌شد، گفتگو به گلوله و ترور انجامید؟! تقاهم جای خود را به دشمنی داد و انتقاد رنگ خصومت به‌خود گرفت !!

بود و حضور ضد انقلاب، به گسترش‌ناامنی یاری می‌داد، از یاد بردند و از سویی‌دیگر به عنصرهای فرصت‌طلب مجال ریشه دوانند، تجاوز به حریم یادگان‌های‌ارتش و اجاق خاموشی اختلافات را شعله‌ور گردن دادند و گرمی را که با سر انگشت خوش-بینی گشوده می‌شد به ندانن غرض‌ورزی و خسونت کور کردند!! دود این آتش به چشم چه کسانی

اعلام کرده است که از دولت دستور نمی‌گیرند از این مکانها استفاده خواهند کرد و شرمساری تنها نتیجه‌ای است که برای شهرداری و راعثمانی و راندنگی بجای می‌ماند.

اتومبیلهایی که هر یک برای خود بهانه‌ها دارند و عبور از خط ویژه را برای خود حق تصور می‌کنند و مردمی که برای گردش به راست و چپ دچار توقفهای ممتد می‌شوند و کسانی که می‌خواهند از عرض خیابانها عبور کنند با یکطرفه شدن خیابان

مدتها می‌باید در گوشه خیابان منتظر بمانند همگی بر روییم عامل مقاوم در برابر اجرای طرح و بتوانان بازدارنده محسوب خواهند شد. بلوکهای سیمانی حتی پیش از اجرای

گذشته بلوکها و میله‌های آهنی وسط‌خیابان برای شهردار استفاده‌ساز نیست لیکن از بودجه مملکتی و در راه بیبوهه مصرف شده است.

بلوکهای سیمانی حتی پیش از اجرای

در ایران بدلیل دخالت دولت در تشکیل و تعیین سندیکاها آنچنان که می‌باید مفهوم سندیکا شناخته نشده است.

دکتر صدوقی معتقد است شوراها در امر مدیریت دخالت می‌کنند و دخالت‌کارگر در مدیریت برای خود کارگر جنبه منفی دارد، در حالی که این مشکل در سندیکا دیده نخواهد شد. صدوقی برای دفاع از ایده خود مساله سود و زیان کارخانه را مطرح می‌کند و می‌گوید اگر شورا دواهر مدیریت دخالت کند در عمل اگر ضروری متوجه کارخانه شود کارگر موظف به جبران آن خواهد بود، لیکن با تشکیل سندیکا و علم مداخله کارگر در مدیریت، کارگران می‌توانند تنها حافظ حقوق خود باشند و در عین حال دست مدیریت را برای تصمیم‌گیری بهتر باز بگذارند.

از نحوه تشکیل سندیکا سؤال می‌شود و معاون وزارت کار می‌گوید در هر کارخانه کارگران می‌توانند یک سندیکا تشکیل دهند، و سندیکاهای واحدهای مختلف که تولید مشابه دارند می‌توانند تشکیل اتحادیه دهند و اتحادیه‌ها در مجموع کنفدراسیون کارگری را تشکیل خواهند داد.

از صدوقی پیرامون نحوه تعیین ضوابط سندیکایی پرسش می‌شود و بسادگی پاسخ می‌دهد که چون سندیکا تابع ضوابطی تقریبا مشخص شده است، در این مورد هیچگونه دخل و تصرفی بسود دولت مقدور نیست و نیازی به فرصت زمانی طولانی برای نوشتن و همیا کردن این ضوابط نخواهد بود.

سندیکا در تمام جوامع عربی حفظ‌منافع اعضای آن و دفاع از حقوق وابستگان سندیکا تشکیل می‌شود، پایگاهی برای انتشار افکار گروه تولیدکننده و تشکیلاتی شناخته شده است.

مزیت سندیکا بر دیگر ارگانهایی که معمولا و بطور موقت شکل می‌گیرد. داشتن ضوابط خاص و حدود مسئولیت آن است و اختیاراتی که سندیکا برای رسیدگی به امور اعضای خود دارد در حدی است که

رفت!!؟ چه سبه‌روی مردمی، اینان پر کردند و از لیبب آتش شادمان شدند!!؟ خانه چه کسانی ویران شد؟ چه سرقودانی به خاك و خون افتادند و چه چشمانی گریان شد؟ من در این گوشه‌ی تهران شلسوغ گریسته و تو در آن دور دست میهن سینه چاك دادی. هر دو در مسرك دلآورانمان گریستیم و دشمن شادمانه تمانشاگر اشك

رفت!!؟ چه سبه‌روی مردمی، اینان پر کردند و از لیبب آتش شادمان شدند!!؟ خانه چه کسانی ویران شد؟ چه سرقودانی به خاك و خون افتادند و چه چشمانی گریان شد؟ من در این گوشه‌ی تهران شلسوغ گریسته و تو در آن دور دست میهن سینه چاك دادی. هر دو در مسرك دلآورانمان گریستیم و دشمن شادمانه تمانشاگر اشك

رفت!!؟ چه سبه‌روی مردمی، اینان پر کردند و از لیبب آتش شادمان شدند!!؟ خانه چه کسانی ویران شد؟ چه سرقودانی به خاك و خون افتادند و چه چشمانی گریان شد؟ من در این گوشه‌ی تهران شلسوغ گریسته و تو در آن دور دست میهن سینه چاك دادی. هر دو در مسرك دلآورانمان گریستیم و دشمن شادمانه تمانشاگر اشك

طرح منظره اصلی خیابانها را از بین برده است و گویانکه تناسب خوبی بادستوروش کنار خیابان دارد که چند ماه‌سی است استقرار کامل یافته و راه عبور را سد کرده و تهران را مانند شهرهای عقب مانده‌آسیانی به رخ مردم می‌کشاند لیکن تنها تفریح مردم که دیدن خیابان شد هاست را هم از بین می‌برد.

تعدادی از بلوکها در حال حاضر بر اثر برخورد اتومبیلها خرد شده‌اند و بودجه‌ای هدر رفته است که اگر مانسد

بلوکهای سیمانی و دستفروشی در پیاده‌روها باقیمانده منظره خیابانها را هم از بین برده است

گذشته بلوکها و میله‌های آهنی وسط‌خیابان برای شهردار استفاده‌ساز نیست لیکن از بودجه مملکتی و در راه بیبوهه مصرف شده است.

بلوکهای سیمانی حتی پیش از اجرای

می‌تواند نه تنها حافظی برای تامین منافع کارگر باشد بلکه بازدارنده خلاف‌کاریهایی است که معمولا امکان انقباش هست سندیکاها در بسیاری کشورها حتی هنگام بروز مشکلی که با تقاهم حل نشود قدرت اعلام اعتصاب دارند.

از دکتر رضا صدوقی پرسش شد آیا در ضوابط سندیکایی ایران پیش‌بینی‌چنین موردی شده است با تاکید گفت بلی وحی هر سندیکا بطور مستقل می‌تواند تصمیم به اعتصاب بگیرد و برای اعتصاب توسط اتحادیه‌ها هم ضوابطی تعیین شده است. با تشکیل سندیکا می‌توان این امیدرا داشت که سندیکاها، ناگزیر برای حمایت

بیشتر تشکیل اتحادیه دهند و همبستگی اتحادیه‌ها کنفدراسیون کارگری را شکل می‌دهد. نقش دولت پس از تشکیل سندیکاها

و اتحادیه‌ها سؤال دیگری است که معاون وزارت کار معتقد است دولت باید نقش مراقب را به‌عهده داشته باشد تا هیچکس به حق دیگری دخالت نکند و او چنین می‌گوید که دولت حافظ تعادل منافع تولید کننده و مصرف‌کننده از یکسو، کارگر و کارماهر از سوی دیگر و گروه مدیریت است و در نتیجه هرگز در ضرر موسسه شرکت ندارد و درعین حال مدیریت‌مسئولیت بیشتری را حس می‌کند

تشکیل سندیکا نویدی است برای طبقه تولیدکننده و در عین حال برای جامعه‌ای که هرگام بسوی آگاهی بیشتر بردارد می-تواند امید به آیندای بهتر داشته باشد.

و سندیکا مکانی است که علاوه بر حفظ حقوق تولید کنندگان می‌تواند کارگران را آگاه کند که برای سود بیشتر خود نباید به جامعه ضرر بزنند و تجربه‌ای که از گذشته داشتیم و نمایندگان کارفرما با در انحصار در آوردن و اتحاد نامقدس مصرف-کننده را تحت فشار قرار می‌داد دوباره هرگز جای رشد نیابد.

جبهه ملی ایران صاحب امتیاز: مهیندس حسین اخوان سردبیر: پروانه فروهر زیر نظر شورای نویسندگان خیابان سپهت شماره ۲۶ - طبقه سوم تلفن: ۸۹۸۲۱۷ چاپ گوشه ۳۱۸۵۶۴-۵